

میدهد که تمامه فیضی و مدوع مسکوبی با من بجا و نجات و دشمنی بجزا است  
و جامع از مصلحه و نصرتی جمع کرد و ایشان را با نای من دلالت کرده پناه بر روی  
شیخ بزرگ شیخ محمد آیدین برده و بجهت همت متوجه او شده و دیده که ظاهر باشد  
و بیک دست خود هر دو دست آن مدعی گرفت و بیک دست دیگر هر دو پای و بنا  
و گفتند میشنم که تم با سبیلدی که بر فرمان ناست با زکشت و رفتن و غیره  
و میخورد فتنه آن مدعی با تسامح خود بقصد انبای من اجتماع کرده بود من بد ایشان  
التفات نکردم و پیش محراب رفتم و نماز خود بگزاردم و ایشان بر من هیچ دریافتند  
و بترا ایشان رخدای تعالی را از یک زمانه بعد از آن مدعی دست زانو به  
کرد و مسافر شد و هر وی گفته که آن شیخ خود شیخ صدر الدین شنیده که شیخ  
با خضر علیه السلام اتفاقا ملاقات افکند گفت از یک سوی من عمران صلوات  
الرحم علیه هزار مسئله از آنچه از اول ولادت وی تا زمان اجتماع بزوی گذشته  
بود مهیا ساخته بودی ترسه مسئله از آن تقاضا کرد و بشارت بان معنی است  
حضرت رسالت صلا الله علیه و سلم فرموده است که کینا اجتماع موسی سکت  
علیا من انبیا شما شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی می زکلی ارباب  
عرفان و کابر اصحاب دوق و میدان بوده است هیچکس سال علم حقیقت لجان  
مضبوط و منوط پان نکرده است که وی در پیاجه شتر فضیله نامیه فاضله  
کرده اولاً آن عبارت فارسی شرح کرده بوده است و شرح خود شیخ صدر الدین

این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است

و بوده و شیخ اولاً سخننان بسیار کرده و در آن باب چیزی نوشته و شیخ سعید الدین  
نوشته را بر سبیل ترک و تمیز در پیاجه شرح فارسی خود درج کرده است و تا ایشان  
برای تقسیم و تبیین فایده آن عبارت عربی نقل کرده و فرموده که بکران از سید حسن  
بن ه الله تعالی بمن لظا لبین خبر بخواه و وی را تصنیف دیگر است سستی ملاحظه علیاً  
الامعاد و در بیان مذهب ائمه اربعه و ضوان الله علیهم اجمعین در مسائل  
و بعضی معاملات که سالکان این طریق با آن چاره نیست و در بیان ارباب طریقت  
که بعد از تصحیح احکام شریعت سلوک له حقیقت بیان میسر می شود و لکن آن  
کتابست بسوی عید که مالا بد هر طالب و مرید است و در اینجا آورده است که انساب  
مریدان بمشایخ و به طریق است یکی خرقه و دوم بتلقین ذکر و سیم بصیبت و حد  
و نادر بان خرقه دو سنت خرقه ادرت و آنرا از یک شیخ ستانند و بان باشد و در  
بزرگ وان از مشایخ بسیار بجهت رکت ستانند و بان باشد و در میان خرقه ادرت خود گفته  
کوی خرقه پوشیدان شیخ مجیب الدین علی بن رضی و وی از شیخ السبوح شیخ شهاب الدین  
سهروردی و وی از عثم خود قاضی و جنبه البین و وی از پدر خود ابو محمد دعوی  
و از فرج لیحانی دست هر یک در پوشیده خرقه مشارک در ستان در کربلا بود اما فرج  
وی در خرقه پوشیده و وی از مسلمان دیوری و وی از ابو القاسم جید دوما فرج  
از ابو العباس نیا و ندی و وی از ابو عبد الله خفیف شیرازی و وی از ابو محمد  
وزی السید رضی الله تعالی عنهم و شیخ السبوح شهاب الدین سهروردی است

این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است  
و در این کتاب از شیخ سعید الدین الهمزانی رحمه الله تعالی است